سریال های پلیسی موفق ایرانی تلویزیون

نگاه تلویزیون به پلیس‌های ایرانی باورپذیر است؟

نژلا پیکانیان

در سال‌های اخیر تلویزیون اشتیاق زیادی برای تولید و ساخت مجموعه‌های پلیسی نشان داده است، مجموعه‌هایی که تعداد آثار موفق آن شمار انگشتان دست هم نمی‌رسد. ژانر پلیسی بدون شک از پرطرفدارترین گونه‌های آثار سینمایی و تلویزیونی است که در همه جای دنیا طرفداران زیادی دارد. روحیه ماجراجویانه ما ایرانی‌ها نیز ما را در زمره مخاطبان پر و پا قرص این آثار قرار می‌دهد.

با نگاهی به تاریخچه پخش آثار پلیسی در تلویزیون متوجه می‌شویم کارگردان‌های زیادی پای‌شان به تلویزیون برای ساخت آثاری در این ژانر باز شده است. علاقه به کارگردانی اثری پرهیجان و معمایی به سال‌های پیش از انقلاب هم برمی‌گردد. برخی از کارگردانان در خلق آثارشان موفق بوده‌اند و برخی دیگر نه تنها نتوانستند کاری مخاطب پسند ارائه دهند بلکه کیفیت آثارشان از چند اثر قابل قبول در این عرصه نیز پایین‌تر آمد. نمی‌توان از ژانر پلیسی در کشورمان صحبت کرد، اما به محدودیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد اشاره‌ای نکرد. گرچه در این میان کارگردان‌هایی مثل مهدی فخیم‌زاده بودند که توانستند حتی سد حضور خانم‌ها در آثار مردانه پلیسی را هم بشکنند و هم در نقش خلافکار و هم پلیس از خانم‌های بازیگر استفاده کنند، ولی به طور کلی امکانات و تجهیزات حرفه‌ای که سریال‌سازان ما در اختیار دارند با آن سوی آبی‌ها قابل مقایسه نیست و اساسا از آنجایی‌که سریال پلیسی ساختن در تلویزیون ما الگوی مناسبی ندارد بیشتر آثار ساخته شده در این زمینه چندان چنگی به دل نمی‌زنند.

با این اوصاف شاید توقع ساخت آثاری که بتواند با بهترین‌های خارجی رقابت کند در ایران وجود نداشته باشد اما ارائه اثری متناسب با استانداردهای خوب و نه عالی جهانی حداقل توقعی است که می‌توان از مجموعه‌های پلیسی ایرانی داشت. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر تلویزیون سعی در ارائه تصویر متفاوت از پلیس به مخاطب داشته، گرچه در این هدف موفق نشده است. از این نکته نیز نباید غافل شد که تولیدات پلیسی سال‌های اخیر اغلب با مشارکت نیروی انتظامی و ناجی هنر روانه آنتن شده‌اند.

حدود یک هفته از هفته پلیس و پخش سریال «گشت ویژه» که مجموعه مناسبتی امسال تلویزیون برای این ایام بود می‌گذرد. همین مناسبت بهانه‌ای شد تا نگاهی به سریال‌های ساخته شده در ژانر پلیسی بیندازیم، چه آنها که موفق بودند و چه آنهایی که با شکست مواجه شدند.

چنگک/ فریبرز صالح/ سال ۵۶

علاقه به آثار پلیسی از سال‌ها قبل در مخاطبان تلویزیون وجود داشت و ساخت یک اثر پلیسی پیش از انقلاب گواه مدعاست. اولین سریال پلیسی ایرانی «چنگک» نام داشت که فریبرز صالح کارگردان فیلم سینمایی «سفیر» آن را کارگردانی کرده بود. این سریال که در سال ۱۳۵۶ تولید و از تلویزیون ملی ایران پخش شد ماجراهای پلیسی با چاشنی طنز را روایت می‌کرد. جلال پیشوائیان که در آن سال‌ها بیشتر در نقش‌های منفی بازی می‌کرد به همراه محمد متوسلانی، مرتضی احمدی، عزت‌الله مقبلی و... در این سریال ایفای نقش می‌کردند.

هشدارهای پلیس/ محسن شامحمدی/ سال ۶۷

دومین سریال با تم پلیسی و ماجراجویی در ایران تقریبا ۱۰ سال بعد از انقلاب ساخته و پخش شد. مخاطبان پر و پا قرص سریال‌های تلویزیونی که در سال‌های گذشته تعدادشان بیشتر بود حتما نام محسن شامحمدی را به عنوان کارگردانی پلیسی‌ساز به خاطر می‌آورند.

شامحمدی در سال ۶۷ با ساخت سریال «هشدارهای پلیس» نام خودش را به عنوان اولین کارگردان پلیسی‌ساز در ایران بعد از انقلاب ثبت کرد و تا سال‌ها نیز در زمینه ساخت آثار پلیسی به فعالیت پرداخت. «هشدارهای پلیس» همچنین اولین سریالی بود که با مشارکت نیروی انتظامی ساخته شد.

این مجموعه درباره یک کلاه‌بردار حرفه‌ای به نام کمالی بود که تحت تعقیبِ نیروی انتظامی است و هربار ماجرایی از تبهکاری او به نمایش در می‌آید. نکته جالب اینکه سرهنگ هدایت‌الله سجادی که در سال‌های اخیر به عنوان کارشناس انتظامی در فیلم و سریال‌ها با گروه‌های سازنده همکاری می‌کند در این سریال به ایفای نقش پرداخته بود. مهدی آریان‌نژاد (در نقش کمالی)، بهزاد رحیم‌خانی، غلامحسین لطفی، ابراهیم بصیرت و ... هم از بازیگران این سریال بودند که از شبکه یک پخش شد.

آینه عبرت/ علی نقی‌لو و محسن شامحمدی/ سال ۶۸

شاید کمتر کسی بداند، سریال پرطرفدار «آیینه عبرت» در دو سری ساخته شد و کارگردان این دو مجموعه نیز در بخش اول و دوم با هم فرق داشتند. بخش اول این مجموعه تلویزیونی را سال ۶۷ تا ۶۸ علی نقی‌لو کارگردانی کرد و حدود یک سال بعد تا سال ۷۰ محسن شامحمدی ساخت این مجموعه را برعهده گرفت. «آیینه عبرت» برخلاف سریال‌های قبلی که در ژانر پلیسی ساخته شده بودند داستان ماجراجویانه‌ای نداشت، اما به شدت مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت و در زمان پخش و حتی تا سال‌ها بعد به یکی از پر مخاطب‌ترین مجموعه‌های سیما بدل شد. سری اول این مجموعه در پنج قسمت روی آنتن رفت، اما با آمدن شامحمدی به عنوان کارگردان ساخت آن دو سال به طول انجامید و این سریال در ۵۰ قسمت روی آنتن رفت. داستان «آیینه عبرت» درباره اعتیاد و عواقب آن بود و یکی از پر طرفدارترین اپیزودهای آن «برگ‌ریزان» نام داشت. اپیزودی که جواد گلپایگانی با ایفای نقش آتقی توانست یکی از ماندگارترین کاراکترهای تلویزیونی را بیافریند. محمود دینی در نقش علی نیز دیگر شخصیت محبوب این سریال تلویزیونی بود که مخاطب همچنان او را به خاطر دارد.

مزد ترس/ حمید تمجیدی/ سال ۷۱

برای مخاطبان سال‌های نسبتا دور تلویزیون به خصوص بچه‌های اوایل دهه ۷۰ «مزد ترس» سمبل یک سریال ترسناک و حادثه‌ای به شمار می‌رود. سریالی که حمید تمجیدی آن را در سال ۷۱ کارگردانی کرد و برخلاف بیشتر سریال‌های پلیسی که تا پیش از این از شبکه یک پخش شده بودند از کانال دو صدا و سیما به روی آنتن رفت. «مزد ترس» داستان زندگی سروان ناصر محمدی (با بازی عبدالرضا اکبری) یکی از کارآگاهان اداره آگاهی بود که طی یک مأموریت، مسئول پیگیری قتل یک نوازندهٔ ارکستر سمفونیک می‌شود که جسد سوخته‌اش را در محل تخلیهٔ زباله پیدا کرده‌اند. این سریال در آن زمان از حضور بازیگرانی چون رضا بنفشه‌خواه، علی دهکردی، حمیده خیرآبادی، محبوبه بیات، رقیه چهره‌آزاد، فریبرز عرب‌نیا و ... نیز بهره گرفته بود. چالش بین پلیس و خلافکار در این سریال به خوبی به تصویر کشیده بود و برخی این مجموعه تلویزیونی را جزو اولین سریال‌هایی که در آن تابوی شکست‌ناپذیری پلیس در مقابله با خلافکاران شکسته شد می‌دانند. «مزد ترس» در زمان پخش‌اش آنقدر مورد توجه قرار گرفت که سه سال بعد یعنی در سال ۷۴ قسمت دوم آن به نام «بازی با مرگ» ساخته و از تلویزیون پخش شد. سریالی که هیچ وقت مثل بخش اول دیده نشد و مورد توجه مخاطب قرار نگرفت.

شلیک نهایی/ محسن شامحمدی/ سال ۷۴

محسن شامحمدی که ید طولایی در ساخت آثار پلیسی برای تلویزیون داشت سال ۷۳ شروع به ساخت یکی از جدی‌ترین مجموعه‌های پلیسی تلویزیون کرد. «شلیک نهایی» به نوعی اولین سریال جدی بود که همه داستان و اتفاق‌هایش پلیسی بودند و مخاطب برای اولین بار با چنین مجموعه‌ای که همه وجوه‌اش معمایی است رو به رو شد. این سریال که حسین پاکدل به همراه شامحمدی نویسنده‌اش بودند یک سال بعد یعنی سال ۷۴ از شبکه یک پخش شد و به شدت هم مورد توجه قرار گرفت. در «شلیک نهایی» داریوش فرهنگ نقش اصلی را بازی می‌کرد، سرگرد کلانی که فرهنگ توانسته بود جدیت و استواری شخصیت پلیس را در این کاراکتر به خوبی به نمایش بگذارد. پرونده‌های جنایی زیادی در طول پخش این سریال در دل قصه آن روایت شدند و شاید یکی از دلایل اقبال این مجموعه نیز الهام داستان‌ها از واقعیت بود. اتفاقی که در سال‌های اخیر کمتر در تلویزیون می‌افتد و نه پلیس و نه خلافکارانی که در مجموعه‌های جدید می‌بینیم هیچ کدام به واقعیت نزدیک نیستند.

کاراگاه علوی/ حسن هدایت/ سال۷۵

یک سال بعد از پخش سریال موفق «شلیک نهایی» مخاطبان تلویزیون باز هم تماشاگر یک سریال پلیسی دیگر شدند. اما این بار ماجرا رنگ دیگری به خود گرفته بود و حسن هدایت نویسنده و کارگردان سریال «کاراگاه علوی» تصمیم گرفته بود ماجراهای پلیسی‌اش را بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۴ روایت کند. با پخش سریال «کاراگاه علوی» به بازی احمد نجفی پای کاراگاه بازی به مجموعه‌های تلویزیونی باز شد. داستان این سریال هم درباره زندگی یکی از همین کاراگاهان به نام علوی بود که در اداره تامینات فعالیت می‌کند و با اتفاقات عجیب و غریبی مواجه می‌شود که این اتفاق‌ها در هر قسمت از این مجموعه برای بیننده روایت می‌شدند. شکل و شمایل و ساختار نسبتا متفاوت «کاراگاه علوی» مورد توجه خیلی از مخاطبان قرار گرفت، تا جایی‌که چند سال بعد بخش دوم این مجموعه نیز با بازی نجفی ساخته شد که البته مثل بیشتر مجموعه‌های ایرانی که در فصل‌های بعدی‌شان موفقیت بخش اول را کسب نکرد آنچنان خوب از آب در نیامد.

سرنخ/ کیومرث پوراحمد/ سال ۷۵

میانه دهه ۷۰ دیگر مخاطبان ثابت سریال‌های تلویزیونی ایرانی به تماشای لااقل سالی یک اثر پلیسی عادت کرده بودند. آن سال‌ها نه هنوز خبری از سریال‌های ماهواره‌ای بود و نه بازار تماشای سریال‌های خارجی اینقدر داغ شده بود. تماشای قصه‌های وطنی حتی از نوع پلیسی‌اش برای مردم جذاب بود و آنها را به تعقیب قصه‌های پلیسی که در سریال‌ها روایت می‌شد وا می‌داشت. شاید همین استقبال خوب مخاطبان تلویزیون بود که کارگردان‌های بیشتری را هم برای ساخت اثر در این ژانر ترغیب می‌کرد.

کیومرث پوراحمد که در آن سال‌ها بیشتر به خاطر ساخت «قصه‌های مجید» به محبوبیت رسیده بود در سال ۷۵ تصمیم به ساخت مجموعه‌ای پلیسی معمایی گرفت. سریالی که بعدها یکی از موفق‌ترین و پرطرفدارین آثار ساخته شده در این ژانر شد و محمدرضا فروتن را نیز به عنوان چهره جدید بازیگری به مخاطبان تلویزیون شناساند. «سرنخ » در هر قسمت ماجراهای پلیسی یک پلیس اصفهانی به نام اوصیا (با بازی جهانبخش سلطانی) را روایت می‌کرد. پلیسی که به همراه دستیارش (با بازی بهزاد خداویسی) اتفاق‌های جالبی را هم رقم می‌زنند. ساختار معماگونه و گره‌هایی که بیننده در هر قسمت با آن مواجه می‌شد «سرنخ» را میان مخاطبان محبوب ساخت.

تصمیم نهایی/ محسن شامحمدی/ سال ۸۰

شش سال بعد از پخش سریال موفق «شلیک نهایی» محسن شامحمدی کارگردان آن مجموعه سریالی جدید با همان حال و هوا به نام «تصمیم نهایی» را مقابل دوربین برد. در این سریال هم مثل بخش اولش داریوش فرهنگ نقش اصلی را بازی می‌کرد. «تصمیم نهایی» داستان فردی به نام اسماعیل کلالی بود که فرزندش قربانی اعتیاد شده است و با اعتقاد به عدالت شخصی، همراه همسرش راضیه، تصمیم به مجازات عاملان قتل فرزند خود می‌گیرد. این سریال بر خلاف سری اولش بیشتر درونمایه‌های اجتماعی داشت و البته تم اصلی آن پلیسی بود. علی نصیریان، فتحعلی اویسی، حسین پناهی، مهوش افشارپناه و ... از جمله بازیگران این سریال بودند که آن نیز نتوانست مثل بخش اولش در جلب نظر مخاطب موفق باشد.

پلیس جوان/ سیروس مقدم/ سال ۸۰

بعد از چند سال خالی بودن آنتن شبکه های تلویزیون از سریال پلیسی رفته رفته بازار ساخت این گونه آثار مجددا داغ شد و سیروس مقدم یکی از آغازگران این شروع دوباره بود. او سال ۸۰ سریال «پلیس جوان» را روی آنتن برد، سریالی که روایت همزمان چند قصه بود اما حضور شهاب حسینی به عنوان یک افسر پلیس جوان آن را در زمره کارهای پلیسی تلویزیون قرار داد.

داستان این سریال درباره یونس پلیس جوانی بود که پدرش در مقام قاضی دادگستری سال‌ها پیش به شکل مشکوکی به قتل رسیده و او به توصیه‌های مادرش برای کشف راز قتل پدر وارد دانشکده پلیس شده بود. این ستوان آگاهی در خلال جست‌وجوی راز قتل پدر هر قسمت ماجراهای تازه‌ای برای تماشاگران روایت می‌کرد. مخاطبان تلویزیون آن روزها شهاب حسینی را به اندازه حالا نمی شناختند و او نیز هیچ یک از موفقیت‌هایی که امروز در کارنامه‌اش دارد به دست نیاورده بود، اما در همان سال‌ها هم توانست نقش‌آفرینی قابل قبولی از خود در قالب یک شخصیت جستجوگر ارائه دهد. یکی دیگر از نقش‌های به یادماندنی این سریال را مریلا زارعی بازی کرد، او در این مجموعه نقش یک خبرنگار را داشت که پا به پای یونس وارد ماجراجویی‌ها می‌شد.

خواب و بیدار/ مهدی فخیم زاده/ سال ۸۱

یکی از متفاوت ترین سریال‌های پلیسی که اوایل دهه ۸۰ روی آنتن رفت «خواب و بیدار» بود، سریالی که در زمان پخش به خاطر محبوب شدن یکی از بازیگران نقش منفی‌اش به «ناتاشا» معروف شده بود. مهدی فخیم‌زاده که پیش از ساخت این سریال چند مجموعه تاریخی را مقابل دوربین برده بود، در سال ۸۰ تصمیم به ساخت مجموعه‌ای پلیسی برای تلویزیون گرفت. سریالی که هم رمزآلود بود، هم حضور نیروهای پلیس و تقابلشان با خلاف کاران پررنگ بود و هم از صحنه‌های اکشن بی‌بهره نبود. یکی دیگر از عوامل مورد توجه قرار گرفتن این سریال حضور زنان در نقش‌های مختلف بود. فخیم‌زاده در این سریال علاوه بر استفاده از چند بازیگر به عنوان پلیس‌های قصه، نقش اصلی و خلافکار قصه، ناتاشا را هم به رویا نونهالی سپرد، کاری که شاید در آن دوران ساختارشکنی محسوب می‌شد. همه این عوامل دست به دست هم داد تا بعد از چند سال بی‌رونقی تلویزیون در پخش یک سریال پلیسی خوب این اثر مهدی فخیم‌زاده لقب یکی از محبوب‌ترین مجموعه‌های پلیسی را به خود اختصاص دهد. رویا نونهالی، مهدی فخیم‌زاده، دانیال حکیمی، لادن طباطبائی، لیلا برخورداری و ... از بازیگران این سریال بودند.

کلانتر/ محسن شامحمدی/ سال ۸۲

محسن شامحمدی دو سال بعد از «تصمیم نهایی» سراغ یک اثر پلیسی جدید رفت و بخش اول «کلانتر» را جلوی دوربین برد. ایرج نوذری در قامت یک افسر کارکشته پلیس در «کلانتر» ظاهر شد و ماجراهای پلیسی این سریال را به همراه بازیگران دیگری چون بابک نوری، آناهیتا همتی، کیوان محمود نژاد، پویا امینی و ... رقم زد. «کلانتر» در بخش اول موفقیت نسبتا خوبی به دست آورد و به لحاظ ساختار هم از دو بخش دیگر قوی‌تر بود. اما در بخش دوم و البته بیشتر از همه سوم هم از لحاظ فیلمنامه و هم ساختار و حتی انتخاب بازیگران افت پیدا کرد و طبیعی بود که دیگر مخاطب بخش اول را هم نداشته باشد.

ایرج نوذری که در دو بخش اول و دوم نقش افسر پلیس را ایفا کرده بود در فصل سوم حضور نداشت و همین برای مخاطبانی که به دیدن او به عنوان کلانتر قصه عادت کرده بودند نکته‌ای منفی به شمار می‌رفت. شامحمدی پنج سال بعد از بخش اول یعنی در سال ۸۷ فصل سوم سریال را کارگردانی کرد.

حس سوم/ مهدی فخیم زاده/ سال ۸۴

مهدی فخیم‌زاده حدود سه سال بعد از «خواب و بیدار» تصمیم به ساخت سریال پلیسی دیگری گرفت؛ مجموعه‌ای که خیلی‌ها در ابتدای پخش‌اش فکر می‌کردند می‌تواند خاطره خوب «خواب و بیدار» را برای‌شان زنده کند. اما «حس سوم» ساخته جدید فخیم‌زاده هم به لحاظ قصه و هم ساختار فاصله زیادی با اولین اثر ساخته شده این کارگردان در ژانر پلیسی داشت. «حس سوم» روایت قصه فانتزی یک زن با حس بویای خاص (با بازی نسرین مقانلو) شاید برای مخاطب عادی تلویزیون جذاب می‌آمد، اما روایت این اثر هیچ وقت نتوانست طرفداران جدی ژانر پلیسی را راضی نگه دارد. فخیم‌زاده در سال‌های بعد نیز چند اثر در ژانر پلیسی ساخت»، «بی‌صدا فریادکن» و «ساختمان ۸۵» از جمله این آثار بودند که به جرات می‌توان گفت هیچ‌کدام نتوانستند موفقیت اولین کار این کارگردان در این زمینه را تکرار کنند.

کاراگاهان/ حمید لبخنده/ سال ۸۷

حمید لبخنده با ساخت سریال تلویزیونی «کاراگاهان»، یک اثر ناموفق را در ژانر پلیسی به نام خودش ثبت کرد. او سال ۸۷ این سریال را کارگردانی کرد، سریالی که در آن چند افسر پلیس پیگیر پرونده‌های جنایی و پلیسی می‌شدند، اما نوع قصه‌هایی که در این مجموعه روایت می‌شد چندان مورد توجه مخاطب قرار نگرفت و این سریال را در زمان پخش مثل برخی دیگر از آثار ساخته شده در این ژانر با شکست رو به رو کرد. لبخنده در این سریال از حضور بازیگرانی چون مهدی هاشمی و اکبر زنجانپور بهره برد، اما حتی سوابق درخشان آنها در بازی نیز نتوانست این سریال را نجات دهد. شکت سریال‌هایی از این دست که صرفا با دستمایه قرار دادن داستانی به اصطلاح می‌خواهند نام مجموعه‌ای پلیسی-معمایی را با خود یدک بکشند ما را به این واقیعت نزدیک کرد که علاوه بر اینکه باید ملزومات ساخت یک اثر قابل قبول فراهم شود ساخت کار خوب نیز باید به اهل فن سپرده شود تا نتیجه خوبی را شاهد باشیم.

گارد ساحلی/ محسن شامحمدی/ سال ۸۸

زمانی که محسن شامحمدی بعد از ساخت چندین سریال پلیسی سراغ کارگردانی «گارد ساحلی» رفت خیلی‌ها این اثر را کپی ناموفقی از نمونه های خارجی دانستند. نظری که بعد از چند قمست از پخش کاملا تایید شد و «گارد ساحلی» را در زمره آثار ناموفق ساخته شده در ژانر پلیسی قرار داد.

داستان این سریال درباره یک تاجر اهل تهران بود که مدتی کسی از او خبر نداشت، دختر او به همراه همسرش برای پیدا کردن او به بندر خمیر در ۷۰ کیلومتری بندرعباس می‌روند و درگیر ماجراهای پلیسی این قصه می‌شوند. اکبر زنجاپور نقش پلیس این سریال را بازی می‌کرد، اما بازی بی‌رمق و آرام او در نقش افسر پلیس به مذاق خیلی‌ها خوش نیامد.

هوش سیاه/ مسعود آب پرور/ سال ۸۹

در تمام سال‌هایی که تلویزیون هیچ اثر ایرانی پلیسی برای پخش نداشت آثار خارجی پلیسی از شبکه‌های مختلف روی آنتن می‌رفتند و اتفاقا بسیاری از آنها مورد اقبال هم واقع می‌شدند. سریال‌های پلیسی خارجی آنقدر به لحاظ پروداکشن و ساختار قوی هستند که مخاطب ایرانی نیز تمایل بیشتری برای تماشای آنها دارد. البته نباید از این نکته هم غافل شد که اگر بحث امکانات و پروداکشن را کنار بگذاریم، بیننده ایرانی از سریالی که داستانی منسجم، قابل‌باور و پرهیجان داشته باشد ولو اثری ایرانی، استقبال می‌کند. این موضوع به تجربه نیز ثابت شده و در تمام این سال‌ها سریال‌هایی که المان‌های یک اثر استاندارد پلیسی را داشتند با استقبال از سوی مخاطب مواجه شدند. تقریبا پنج سال بعد از خالی بودن آنتن از یک مجموعه پلیسی خوب مسعود آب‌پرور تصمیم گرفت تا یک سریال پلیسی را هم به کارنامه کاری‌اش اضافه کند و از همین رو سراغ ساخت «هوش سیاه» رفت. «هوش سیاه» به جرائم رایانه‌ای می‌پرداخت موضوعی که تا به حال کسی سراغ آن نرفته بود و در آن سال با هر چه بیشتر پررنگ شدن نقش فضای مجازی در زندگی روزمره افراد مورد توجه قرار گرفت. نقش اصلی پلیس این سریال به حسین یاری سپرده شده بود و کیکاووس یاکیده نیز نقش خلافکار قصه را داشت. «هوش سیاه» نیز سری بعدش ساخته شد و سال ۹۲ با همان مضمون روی آنتن رفت.

سقوط آزاد/ علیرضا امینی/ سال ۹۰

بازار پخش سریال‌های پلیسی از اواخر دهه ۸۰ رفته رفته رونق گرفت و ابتدای سال ۹۰ نیز علیرضا امینی با ساخت سریال «سقوط آزاد» این روند را ادامه داد. امینی در این سریال با استفاده از حضور بازیگران چهره‌ای چون حامد بهداد و پوریا پورسرخ سعی در جذب مخاطب داشت، اما صورت نگرفتن استقبال آن چنانی مخاطب از این مجموعه باز هم ثابت کرد برای ساخت یک اثر پلیسی موفق نمی‌شود به چند نکته از جمله انتخاب بازیگر چهره اکتفا کرد. گرچه حضور بهداد برای اولین بار در نقش پلیس مورد توجه خیلی قرار گرفت، اما نارضایتی مخاطبان این مجموعه از قصه نه چندان منسجم این مجموعه همچنان شنیده می‌شد.

دیوار/ سیروس مقدم/ سال ۹۱

زمانی که سیروس مقدم «دیوار» را برای شبکه یک کارگردانی کرد دیگر نامش به عنوان یکی از کارگردان‌های مطرح تلویزیونی شناخته شده بود. البته شاید کمتر کسی به خاطر می‌آورد که او سال ها پیش تجربه ساخت سریالی پلیسی را پشت سر گذاشته. مقدم سال ۹۱ با فیلمنامه‌ای از سعید نعمت‌الله «دیوار» را جلوی دوربین برد و در آن به روایت زندگی جمیل رییس یک باند تبهکاری پرداخت که توسط همسر خواهرش سرهنگ یونس سبزی به زندان افتاده است و در آستانه رهایی از زندان، از دلبستگی میان دخترش با پسر سرهنگ سبزی مطلع می‌شود. آتیلا پسیانی در این سریال نقش افسر پلیسی را بازی کرد که البته با پلیس واقعی که اطراف‌مان می‌دیدیم تفاوت‌هایی داشت. این سریال به سفارش نیروی انتظامی ساخته شد و شاید بخش زیادی از ایرادهایی که به آن وارد شد نیز نشات گرفته از همین موضوع باشد.

ماتادور/ فرهاد نجفی/ سال ۹۲

فرهاد نجفی سال ۹۱ پیش تولید ساخت سریالی با نام «ماتادور» را آغاز کرد تا این مجموعه برای پخش پدر هفته نیروی انتظامی سال بعد آماده شود. «ماتادور» سال ۹۲ در هفته ناجا از تلویزیون پخش شد و در مقایسه با سریال‌هایی که در سال‌های اخیر از شبکه‌های مختلف پخش شدند توانست به مقبولیت بیشتری بین مخاطبان دست پیدا کند. گرچه ارائه چهره غیر واقعی از پلیس همچنان یکی از انتقادهایی بود که به این مجموعه وارد شد و فرهاد نجفی کارگردانش را بر آن داشت تا در گفت و گویی بگوید روابط پلیس‌ها در ین سریال عجیب و غریب نیست. نجفی در مصاحبه‌ای گفت: «روابط میان پلیس‌ها با یکدیگر در سریال «ماتادور» با سایر کارهای پلیسی ایران که تاکنون به روی آنتن رفته خیلی متفاوت است و در واقع بحث اصلی این مجموعه همین روابط میان پلیس‌هاست؛ بنابراین بینندگان از دیدن این روابط متفاوت تعجب نکنند.» از جمله نکات مثبت این سریال برای مخاطبان صحنه‌های اکشنی بود که توانستند به وسیله آنها با برخی دیگر از توانایی‌های پلیسی در کشور آشنا شوند.

میکائیل/ سیروس مقدم/ سال ۹۴

کارگردان پرکار تلویزیون بار دیگر بخت خودش را برای ساخت اثری موفق در ژانر پلیسی آزمود و سال ۹۴ با مشارکت ناجی هنر سریال «میکائیل» را برای شبکه یک کارگردانی کرد، سریالی که مقدم خودش آن را پرحادثه‌ترین اثرش عنوان کرد. اکشن این سریال و نوع روایت داستان این مجموعه بیشتر از کارهای قبلی که در این ژانر ساخته شدند به مذاق مخاطب خوش آمد.

چاشنی عشق و عاشقی‌های شخصیت اصلی داستان هم جذابیت‌های دیگری را برای بیننده این سریال رقم زد. به خصوص اینکه کامبیز دیرباز نیز بازی قابل قبولی در نقش یک افسر پلیس از خودش به نمایش گذاشت و توانست مخاطبان را راضی نگه دارد. برخی دیالوگ‌های این سریال را یکی از نقاط قوت این مجموعه دانستند و برخی دیگر آنها را شعاری تلقی کردند و به نظرشان یکی از موارد آسیب زننده به سریال بود. با همه این تفاسیر «میکائیل» را می‌توان از جمله آثار پلیسی تلویزیون در دهه ۹۰ تلقی کرد.

آسمان من/ محمدرضا آهنج/ سال ۹۴

تلویزیون در سال ۹۴ در پخش آثار پلیسی قدرتمند عمل کرد، البته قدرتمند از جهت کمی و نه کیفی. «آسمان من» یکی دیگر از سریال‌های پلیسی بود که سال گذشته به روی آنتن رفت تا مخاطبان با بخش دیگری از فعالیت‌های پلیس یعنی پلیس امنیت پرواز آشنا شوند. شیوه پخش نامناسب این سریال باعث شد ساخته آهنج در ژانر پلیسی دید نشود. از طرف دیگر دو پاره پخش شدن این مجموعه نیز مخاطب را دچار سردرگمی کرد و تغییر شبکه پخش هم مشکلی برمشکلات این مجموعه تلویزیونی پر بازیگر افزود. نکته مهم درباره سریال «آسمان من» مقطع روایت قصه آن است. برخلاف بیشتر مجموعه‌های پلیسی در سال‌های اخیر که قصه‌شان به روز بود، روایت داستان این سریال از سال ۶۳ آغاز می‌شود و همین نکته می‌توانست یکی از تفاوت‌های مثبت این مجموعه به حساب بیاید. نکته دیگر قابل ذکر درباره این سریال تعدد بازیگران آن بود، «آسمان من» بیش از ۷۵ بازیگر اصلی و فرعی داشت.

فوق سری/ مهدی فخیم‌زاده/ سال ۹۴

اینکه چطور اسم سریالی که «قورباغه و قناری» نام دارد هنگام پخش به «فوق سری» تغییر پیدا می‌کند خودش یکی از عجیب‌ترین نکات درباره سریال پلیسی دیگر مهدی فخیم‌زاده است. فخیم‌زاده که یکی از کارگردان‌های پرسابقه در زمینه کارگردنی آثار پلیسی است برای آخرین اثرش در این ژانر سراغ قصه‌ای طنز رفت و البته موفق نشد. «فوق سری» نحوه پیشگیری و برخورد با عاملان فروش مواد مخدر را به منظور آگاهی بخشیدن به خانواده‌ها در خصوص چگونگی نفوذ تولیدکنندگان و پخش‌کنندگان مواد مخدر در بین جوانان به تصویر کشید، اما نه تنها نتوانست تجربه آثار موفق کارگردانش را تکرار کند حتی شکستی سنگین را در کارنامه فخیم‌زاده رقم زد. سریالی که فخیم‌زاده بعدها آن را به خاطر سانسورهای بیش از اندازه‌اش متعلق به خود ندانست و اسم آن را تنها لاشه‌ای لت و پار از قصه‌های پلیسی گذاشت.

آمین / منوچهر هادی-بهرنگ توفیقی/ سال ۹۴

سریال پلیسی «آمین» فارغ از همه حواشی که بر سر تعویض کارگردان‌هایش داشت چند ویژگی متفاوت دیگر را نیز دارا بود. حضور بازیگرانی چون امین حیایی و داریوش فرهنگ و در کنار آنها نقش آفرینی هادی ساعی قهرمان تکواندو از جمله مزیت‌های این اثر بود. «آمین» اگرچه بر صحنه‌های اکشن و به رخ کشیدن توانایی‌های پلیس تاکید ویژه‌ای داشت، اما در اجرا خیلی موفق نبود. ماجراهای پلیسی «آمین» چندان چنگی به دل مخاطب نزد و ما را بیشتر به این نکته نزدیک کرد که فیلمنامه خوب و قوی یکی از مهمترین المان‌ها برای موفقیت یک اثر پلیسی وطنی است.

گشت ویژه/ مهدی رحمانی/ سال ۹۵

آخرین اثر پلیسی ساخته شده برای تلویزیون که در هفته نیروی انتظامی به نمایش در آمد را کارگردانی ساخت که اولین تجربه‌اش را در تلویزیون پشت سر می‌گذاشت. مهدی رحمانی که پیش از این در سینما فعالیت می‌کرد سریال پلیسی «گشت ویژه» را برای شبکه یک ساخت تا نام او نیز در لیست پلیسی‌سازهای تلویزیون قرار بگیرد. «گشت ویژه» سعی در نمایش چهره‌ای واقعی‌تر از پلیس داشت اما انتخاب نابه‌جای بازیگر نقش اصلی‌اش یعنی حمید گودرزی باعث شد تا مخاطب نتواند آنطور که باید غرق در قصه این سریال شود. با این اوصاف به نظر می‌رسد اگر راه برای ورود کارگردان‌های جوان به این عرصه باز شود شاید بتوان به پویایی، اکشن و هیجان بیشتر در آثار پلیسی امیدوار بود.